

مؤلفه‌های تاثیرگذار خودسازی در شکل‌دهی تمدن اسلامی از منظر قرآن

کریم

سمیه آشتا^۶

رقیه دورقی^۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۲۵

چکیده

تشکیل تمدن اسلامی نیاز به ارکانی دارد. رکن زیربنایی این تمدن حول انسان می‌گردد. اما ارکان اصلی آن، خدا، انسان، جامعه می‌باشد. تمدن اسلامی به تعبیری دو بُعد الهی و غیر الهی دارد، در بعد الهی، ارسال رسل و کتاب راهنما زمینه ساز تشکیل تمدن اسلامی می‌باشد. در بعد غیر الهی، انسان تربیت یافته و خود ساخته می‌تواند تمدن ساز باشد. هر تمدنی متشکل از عده‌ای انسان با فکر و فرهنگ شبیه به هم هستند. که این شباهت آنها را منسجم و به هم نزدیک می‌کند. در متون دینی از این تشکل به امت تعبیر می‌شود. تشکیل تمدن اسلامی میسر نمی‌شود مگر اینکه هر فرد وظیفه انسانی و دینی خود را به نحو شایسته‌ای به انجام رساند و دیگران را نیز در این امر یاری نماید، تا به جامعه مطلوب و ایده‌آلی که مورد نظر قرآن است دست یابند و در این جامعه سالم انسانی، به رشد و کمالات معنوی نائل گردند؛ و لازمه انجام این وظیفه، خودسازی است. در این تحقیق، جمیع مؤلفه‌های تاثیرگذار خودسازی و تأثیر آن بر شکل‌دهی تمدن اسلامی از منظر قرآن به صورتی ساده و منسجم مورد بررسی قرار گرفته است. روش مورد استفاده در این نوشتار اسنادی می‌باشد.

کلید واژگان: خودسازی، تمدن اسلامی، جامعه مطلوب، تربیت.

^۶ دانش‌آموخته سطح ۲، حوزوی، دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات زنان گرایش حقوق خانواده.

^۷ دانش‌آموخته سطح ۲، دانشجوی کارشناسی ارشد علوم و تفسیر گرایش نهج البلاغه.

مقدمه

خودسازی از مهمترین عوامل رشد جامعه انسانی می‌باشد. تقویت اراده عملی، خود آگاهی، از مقدمات خودسازی است، سپس بهره بردن از الگوهای حسنه و توجه به الگوی تربیت دینی و در مرحله بعد انجام عملی آنها در زندگی فردی و اجتماعی می‌تواند راهی برای شکل دهی تمدن اسلامی باشد. این‌ها الهام گرفته از فرهنگ ناب قرآنی است که پرهیزگاری و پاکی جان را سرمایه و پشتوانه‌ای می‌شمارد برای برون رفت از فتنه‌ها و مشکل‌ها و نابسامانی‌های فردی و اجتماعی: «من یتق الله يجعل له مخرجا» (سوره طلاق، آیه ۲) هر کس از خدا پروا کند [خدا] برای او راه بیرون شدنی قرار می‌دهد.

خودسازی، اتخاذ روشی برنامه ریزی شده، دقیق و برگرفته از آموزه‌های توحیدی اسلام، برای مهاجرت از طبیعت و تعدیل هویت بشری، در جهت احیا و پرورش هویت انسانی و الهی انسان، در عرصه حیات عقلانی و عرفانی و در راستای تحقق جامعیت مظهري انسان نسبت به خدای تعالی و تقرب به اوست. بنا بر تعریف ارائه شده، خودسازی، تنها منحصر به ترک گناه و انجام تکالیف شرعی یا تهذیب نفس از اسارت‌ها و عادت‌ها و کسب آزادی یا مبارزه با رذایل اخلاقی و کسب فضایل یا انجام عبادت نیست و شامل برنامه‌های جامع برای تحقق تمامی این عرصه‌ها، رفع نقایص گوناگون و تکمیل نفس آدمی می‌شود.

مهم‌ترین اموری که در خودسازی و پی ریزی ساختمان وجودی انسان مؤمن و سالم دخالت دارند، عبارتند از: آگاهی و شناخت، ایمان به خدا، دین و رستاخیز، تقویت ارتباط معنوی با خداوند و تقید به وظایف واجب عبادی و اجتماعی. در واقع هدف زندگی، چیزی جز خداشناسی و خداپرستی و رسیدن به قرب خداوند نیست. قرآن کریم می‌فرماید: «مردم هیچ ماموریتی ندارند؛ جز این که دستورهای دین را مخلصانه برای خدا انجام دهند.» (سوره زمر، آیه ۱۰) مفهوم و حقیقت عبادت، بسیار فراگیر است و شامل تمام فعالیت‌های انسان در زندگی می‌شود؛ حتی خوردن و خوابیدن و ازدواج انسان، بیرون از دایره عبادت و پرستش خداوند نیست.

۱- تقویت ایمان

تقویت ایمان از طریق سیر مطالعاتی و افزایش اطلاعاتی که منتهی به آگاهی و بیداری می‌شود. در این زمینه، شرکت در جلسات مذهبی، گوش دادن به سخنرانی‌ها، تلاوت مداوم قرآن کریم و مطالعه احادیث اهل بیت (علیهم السلام) و شرح زندگی بزرگان و اهل عرفان و سلوک و... بسیار مفیدند. امام رضا (علیه السلام) می‌فرماید: «خدا رحمت کند بنده‌ای را که امر ما را زنده بدارد. راوی پرسید: چگونه امر شما را زنده بدارد؟ آن حضرت فرمود: علوم ما را فراگیرد و به مردم بیاموزد، چرا که مردم اگر زیبایی‌های کلام ما را بدانند از ما پیروی می‌کنند.» (مفاتح الحیاه، ص ۷۸)

ایمان از شرایط پایه‌ای و اصلی خودسازی است. خودسازی با عمل صالح نیز انجام می‌شود و عبادت انسان را می‌سازد، ولی ایمان به آن روح و انگیزه و صلاحیت می‌دهد. قرآن کریم می‌فرماید: «الذین آمنوا و عملوا الصالحات سندخلهم جنات تجری من تحتها الانهار» (سوره نساء، آیه ۱۲۲) عمل صالح به شرط ایمان در انسان تأثیر گذار و نجات بخش خواهد بود. عمل صالح انسان را می‌سازد مشروط به اینکه برخواسته از ایمان به خداوند و اخلاص در نیت برای او باشد. خودسازی سخت است و به انگیزه و انرژی فراوانی نیاز دارد، ایمان بزرگترین منبع انرژی بخش انسان برای حرکت در مسیر خودسازی است. ایمان اصل همه خوبی‌ها در انسان است. بطور کلی برای تقویت ایمان نیاز به جمیع خوبی‌ها و نیکی‌هاست که در اینجا به مهم‌ترین آن‌ها می‌پردازیم:

۱-۱- تقویت آگاهی

اولین و مهم‌ترین راه تقویت ایمان، تحصیل و تقویت آگاهی از طریق مطالعه، تأمل و تفکر است. ریشه ایمان قلبی در معرفت و اندیشه قرار دارد. آگاهی و تفکر، بیدار کننده قلب از خواب غفلت و زنده کننده دل انسان است. کسی که آگاهی ندارد، در حقیقت،

مرده‌ای است که میان زندگان راه می‌رود. به خاطر اهمیت و تأثیری که آگاهی در رسیدن انسان به کمال دارد، حوزه‌های شناخت و آگاهی، فراوانند. مهم‌ترین آگاهی برای تقویت ایمان به خدا، تحقیق، مطالعه و تفکر در ذات، صفات و افعال الهی و سرانجام، توحید هستی است. علم توحید چه نظری و چه عملی آن زمینه ساز ایمان و شرط لازم برای آن است؛ از همین رو است که «از میان بندگان خدا، تنها عالمانند که خشیت خدا دارند، انما یخشی الله من عباده العلماء». (سوره فاطر، آیه ۲۸)

همچنین، می‌دانیم که خشیت از آثار ایمان است. علم با همه اهمیتی که در گسترش ایمان دارد، علت تامه آن نیست، زیرا همیشه علم به ایمان نمی‌انجامد، بلکه پس از علم یافتن به وجود خدا، معاد و حقانیت پیامبر، انسان مختار است که ایمان بیاورد یا نیاورد. چنین نیست که پس از علم، حصول ایمان به قهر و جبر، حتمی باشد، اگر ایمان را پذیرش و التزام عملی به ی‌ک حقیقت بدانیم، از مقوله فهمیدن و دانستن نیست هر چند فهم و دانش، زمینه گستر ایمان است.

هدف خودسازی قرب به خداوند است، چگونه ممکن است کسی که ایمان قلبی به خداوند ندارد، در مسیر قرب به او سختی عبادت و بندگی را به جان بخرد و در این راه تلاش نماید. ایمان همچون نقشه و قطب‌نمایی است که ما را به سوی هدف راهنمایی می‌کند. در واقع در زمینه‌ی رفتار انسانی هیچ نیرویی برای هدایت انسان قوی‌تر از ایمان نیست.

۱-۲- تقویت اراده عملی (عمل صالح)

خودسازی به اراده‌ی قوی نیاز دارد، ایمان تقویت‌کننده اراده انسان برای رسیدن به هدف خودسازی است. همچنین خودسازی به نیت و جهت نیاز دارد، ایمان به مبدأ و معاد به حرکت انسان جهت می‌دهد. خودسازی به قدرت و مقاومت نیاز دارد، ایمان به یگانگی

خداوند و اینکه تنها راه رسیدن به کمال و سعادت قرب به خدا است، به انسان قدرت و انگیزه حرکت و مقاومت می‌بخشد.

سکولارها و کفار چون نگاهشان به هستی و زندگی مادی است، برای نیت و اخلاص و حسن فاعلی اعمال اهمیتی قائل نیستند، از نظر آنها خود عمل مهم است. اگر عمل درست انجام شود ارزشمند و تأثیر گذار است، اما از نگاه اسلام ارزش اعمال انسان به حسن فاعلی و نیت آن بستگی دارد. صحت عمل و انجام عمل لازم است اما کافی نیست، آنچه به انسان و عمل اش ارزش واقعی می‌دهد این است که به خاطر خدا و رسیدن به او انجام شود. برای کسب رضایت او باشد. کسی که ایمان ندارد نمی‌تواند به عمل خود تأثیر و ارزش معنوی بدهد. ایمان است که ارزش عمل و قصد و نیت معنوی آن را تأمین می‌کند.

عمل صالح در تقویت ایمان نقش موثری دارد. ایمان بدون عمل صالح معنا ندارد. در آیات قرآن خداوند به مومنان دستور داده: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ ۖ وَتَنْظُرُوا نَفْسَ مَا قَدَّمْتُمْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ ۚ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ» (سوره حشر، آیه ۱۸) (ای اهل ایمان از خدا پروا کنید هر کسی باید تأمل کند که برای فردای خود چه چیزی فرستاده؟ از خدا پروا کنید یقیناً خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است).

پیامبر اکرم (ص لی الله علیه و آله) فرمود: «ایمان بی عمل و عمل بی ایمان پذیرفته نیست» (نهج الفصاحه، ص ۸۲، حدیث ۵۲۱) عمل صالح نشانه واضحی از ایمان افراد است. به بیانی دیگر ایمان به وسیله تقوای الهی و دوری از گناهان و انجام اعمال صالح تقویت می‌گردد.

۳-۱- معرفت و شناخت چهارده معصوم (ع)

ائمه سبیل الله یعنی راه خدا و باب الله به معنای درب ورود به مقام الوهیت و تقرب به ذات خدا هستند. همان که قرآن در آیه ۳۵ سوره مبارکه مائده دستور می‌دهد برای رسیدن به خدا از وسیله کمک بگیرد.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) در مقام تبیین آیه مذکور فرمودند: «ما اهل البیت همان خانه‌هایی هستیم که خداوند دستور داده از راه درب‌های آن وارد شوید. ما اهل البیت، هم - خانه‌های خدا - هستیم و هم - درب‌های خانه خدا.» (نهج البلاغه، خطبه ۱۱۰) بهترین چیزی که به وسیله آن می‌توان به خدا نزدیک شد ایمان به خدا و پیامبر است به تعبیر دیگر: اساس و پایه تمام نیکی‌ها ایمان است و بدون آن هیچ‌گونه حرکتی به سوی فرایض الهی وجود نخواهد داشت. بنابراین، هر کس می‌خواهد خدا را بشناسد و به خدا تقرّب جوید و به کمال نهایی عبودیت و انسانیت نائل گردد باید با احادیث و معارف بلند ائمه و سیره عملی آنان آشنا شود و با آن زندگی نماید و برنامه دنیا و آخرت خویش را بر این اساس تنظیم کند و بداند بدون شناخت و ارتباط و اطاعت از امامان نیل به قرب الهی میسر نیست.

۴-۱- انس با قرآن

راه دیگر برای تقویت ایمان و باورهای دینی، انس با قرآن است. لذا در قرآن کریم فرمود: «اذا تلیت علیهم آیاتهم زادتهم ایماناً» (سوره انفال، آیه ۲) یعنی مؤمنان راستین هنگام استماع و شنیدن آیات الهی ایمان آنها افزوده می‌گردد. استاد جوادی آملی در این باره نکاتی آموزنده دارد. از جمله می‌گوید: «بهترین راه صلاح، انس با قرآن است.» به همین دلیل می‌فرماید: «فاقرؤوا ما تیسر من القرآن» (سوره مزمل، آیه ۲۰) یعنی آن مقدار که برای شما میسر است، قرآن تلاوت کنید و با این کتاب الهی مأنوس باشید. حتی اگر معنای بعضی از آیات برای شما روشن نشد، نگویید خواندن بدون ادراک چه اثری دارد، چون قرآن کلام آدمی نیست که اگر کسی معنایش را نداند، خواندنش بی‌ثمر باشد. بلکه قرآن نور الهی است و خواندن آن عبادت است. هر چند معنای آن هم درک نشود. قرآن حبل (ریسمان) الهی است که انس با آن و تدبر در آن و ایمان و عمل به آن انسان را بالا می‌برد و به مقام صالحین ملحق می‌سازد. تحت ولایت الله قرار می‌دهد. اگر انسان مشمول ولایت الله بود، امورش را

خدا اداره می‌کند و در آن مقام دیگر راهی برای وسوسه و رخنه اهریمن نیست. (جوادی آملی، عبدالله، قرآن در قرآن، چاپ دوم، ص ۲۴۰)

انس و تلاوت قرآن، چون انسان را زیر پوشش ولایت الهی می‌برد، وسوسه‌های تبلیغات سوء، بر باورهای دینی او اثر نمی‌کند. به خصوص اگر قرآن در فصل شکوفای عمر، یعنی سن جوانی و نوجوانی خوانده شود. لذا در روایات آمده: «کسی که در سن جوانی قرآن بخواند، قرآن با خون و گوشت او - یعنی خمیر مایه وجودی او - آمیخته می‌شود» (کلینی، اصول کافی، ص ۴۰۵).

۵-۱- عبادت و دعا

ایمان و عبادت دو نشانه مؤمنین است که هرگز از هم جدا نمی‌شوند در قرآن نیز به این همراهی اشاره شده است: «من مأمورم خدا را در حالی که ایمان و عبادت را برای او خالص می‌کنم، بپرستم.» (سوره زمر، آیه ۱۱) عبادت و نیایش و انس مداوم با مناجات‌های الهی و تشریف به محضر بزرگان و علمای راستین و استفاده از برکات علمی و معنوی و انقباس قدسی آنان، در استحکام و تقویت باورهای دینی و مذهبی نقش مؤثر دارد. (مطهری، آزادی معنوی، ص ۷۵)

دعا روح بندگی را در آدمی زنده نگه می‌دارد. به عبارتی انسان می‌تواند در مقابل مالک و مولی خود با حال نیاز و تضرع، ناز و اظهار بندگی کند. خواسته‌های قلبی خود را به تنها کارساز جهان بیان کند و با خیالی آسوده از مشکلات دنیا به زندگی مشغول شود، این همان توکل به خداست. در روایتی از رسول خدا آمده است: «دعا سلاح مؤمن است» (نهج الفصاحه، ص ۲۴۱، ح ۱۶۱۳) از نشانه‌های مؤمن دعا کردن و سپردن امور بر خداست. یا در جای دیگر فرمودند: «همه اعمال خیر یک نیمه عبادت است و دعا نیمه دیگر و چون خدا برای بنده‌ای خیر خواهد قلب او را به دعا متمایل می‌کند» (همان، ص ۲۴۳، ح ۱۶۲۳)

۶-۱- ذکر و یاد خداوند

یکی از بهترین راه‌های تقویت ایمان و باورهای دینی، یاد و ذکر مداوم خداوند است. زیرا یاد خداوند موجب اطمینان قلب می‌شود و هر گاه انسان به مقام اطمینان قلبی برسد و به اصطلاح صاحب قلب مطمئن شود، باورهای دینی او چون فولاد آب دیده محکم و پرتوان می‌شود. لذا خدای سبحان فرمود: «الابدکر الله تطمئن القلوب، آگاه باشید که با یاد خدا دلها اطمینان و آرامش پیدا می‌کند» (سوره رعد، آیه ۲۸) حضور خداوند در خاطر ما، در همه لحظات زندگی، ارتباط ما را با او افزایش می‌دهد و به تدریج به پیوندی استوار می‌انجامد. یکی از حکمت‌های نمازهای پنجگانه، زنده نگه داشتن یاد خدا در طول شبانه روز، در دل مؤمن است. «یا ایها الذین آمنوا اذکروا الله ذکرا کثیرا؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خدا را بسیار یاد کنید» (سوره احزاب، آیه ۴۱) انجام برخی کارها مانند قرائت قرآن، دعا و زیارت، مطالعه سیره ائمه و همنشینی با نیکان و صالحان، ما را به یاد خدا می‌اندازد.

برخی کارها نیز مانع توجه به خداوند است که باید این موانع را کنار زد تا غفلت بر آن حاکم نشود.

قرآن کریم می‌فرماید: «یاد خدا دل‌های مؤمنان را می‌لرزاند و هنگامی که آیات الهی را گوش دهند، بر ایمانشان افزوده می‌شود» (سوره انفال، آیه ۲).

۷-۱- راه عشق و محبت

راه دیگر برای قوی شدن باورهای دینی و مذهبی، راه محبت و عشق است. به دلیل نقش مهم عشق و محبت در تقویت باورهای دینی و مذهبی است که بزرگان، همواره بر عنصر محبت (دوستی خدا، پیامبر و اهل بیت - علیهم السلام) اصرار دارند. از جمله شهید مطهری در این باره می‌گوید: «از بزرگترین امتیازات شیعه بر سایر مذاهب این است که پایه و زیربنای اصلی آن، محبت است و اساساً تشیع، مذهب عشق و شیفگی است. عنصر محبت

در تشیع، دخالت تام دارد. تاریخ تشیع با نام یک سلسله از شیفتگان و جانبازان سراز پا نشناخته، توأم است.» (مطهری، جاذبه و دافعه علی، ص ۴۳)

بهترین دلیل بر نقش عشق و محبت در تحکیم باورهای دینی، ایثار و فداکاری یاران امام حسین (علیه السلام) در کربلاست. یعنی عشق و محبت آنان سبب شد که آنگونه در رکاب آن حضرت جان خود را فدا کنند و بگویند: (اگر هزار بار کشته شویم و زنده شویم، باز هم از حمایت و همراهی شما دست بر نمی‌داری م).

بنابراین عشق و محبت، نقش بسیار مهمی در تقویت ایمان و باورهای دینی و مذهبی دارد و هر اندازه عشق و محبت همراه با شناخت و معرفت انسان به باورهای دینی و مذهبی، بیشتر باشد، باور دینی او قوی‌تر خواهد بود. بر همین اساس امام صادق (علیه السلام) فرمود: «هل الدین الا الحب» (طباطبایی، تفسیر المیزان، ص ۱۶۰) یعنی آیا دین غیر از محبت است.

۸-۱- تفکر و توجه به نعمت‌ها و الطاف خدا نسبت به انسان

وظیفه ما در قبال نعمت‌های خدادادی چیست؟ انسان‌هایی که از فطرت پاک برخوردارند، حتی خدمت بسیار کوچک دیگران را هرگز فراموش نمی‌کنند و همیشه خود را شرمندۀ آنان می‌دانند. حال فطرت انسان چگونه قبول می‌کند که در برابر نعمت‌های بی‌شمار خداوندی در مقام شکر و حق‌شناسی بر نیاید؟ اگر انسان همواره به نعمت‌هایی که خداوند به او عطا کرده است توجه داشته باشد، هیچ‌گاه از یاد خدا غافل نمی‌شود. انسان اگر بداند که حتی انجام همین تکالیف آسان نیز برای به کمال رسیدن و سعادت ابدی اوست، همواره شکرگزار و مطیع اوامر و دستورات الهی خواهد بود. هر قدر انسان نسبت به این مسائل بیشتر بیندیشد، انگیزه بیشتری برای عمل به دستورات اخلاقی پیدا می‌کند. (مجله معرفت، شماره ۵۰، مصباح یزدی، محمد تقی، گنجینه معارف اخلاق و عرفان اسلامی / تفکر پیرامون نعمت‌های الهی، تاریخ انتشار: ۲۸/۸/۱۳۸۸)

بیاناتی که حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام) خطاب به عبدالله بن جندب می‌فرمایند، ناظر به همین مسائل است. آن حضرت در این فراز از سخنان خود به این مطلب اشاره می‌فرمایند: «که کسی که خداوند دین حق را به او شناسانده و او را هدایت کرده و به رشد رسانیده و عقلی به او داده که بتواند به وسیله آن نعمت‌های خدا را بشناسد و او را از علم و حکمت بهره مند ساخته تا بتواند کارهایش را با تدبیر انجام دهد، باید شکرگزار خدا باشد و درباره نعمت‌های خدا بیندیشد و کفران نعمت ننماید و همواره روح اطاعت از خدا و ترک گناه و معصیت در او وجود داشته باشد اگر در زندگی خود توجه کنیم، خود را غرق در نعمت‌های الهی خواهیم یافت.» (مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۲۸۴، روایت ۱) فلسفه آفرینش این نعمت‌ها را شاعر شیرین سخن پارسی در یک بیت آورده است:

«ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری» (سعدی) انسان بر خوان نعمت حق نشسته تا با یادآوری لطف او، یاد خدا را در دل زنده نگه دارد و قلب خود را به او نزدیک‌تر کند.

۲- پاک سازی و تهذیب نفس

پاک سازی و تهذیب نفس از عادت‌های بد و دل بستگی‌ها و وابستگی‌ها و از اموری که مانع کمال و سیر و سلوک انسان به سوی خدا می‌باشند. عبادت و پرستش، شاهره ارتباطی بنده با خداوند و تقویت ایمان به اوست؛ اما برای رسیدن به آن و انجام عبادت به صورت مؤثر، پیمودن مراحل زیر، ضروری می‌باشند:

۲-۱- **مبارزه با ریشه‌های گناه:** گناه، رفتار ناهنجاری است که ناشی از خودخواهی و هواپرستی انسان است و ایمان آدمی را تضعیف می‌کند. برای پاک سازی خود از گناه، ریشه‌ای‌ترین کار، مبارزه با زمینه‌های نفسانی آن است؛ یعنی صفات و ملکاتی که انگیزه این رفتار را در آدمی به وجود می‌آورند.

۲-۲- مبارزه با عادت‌هایی که مانع رشد انسان هستند: برخی عادت‌ها در

انسان، مانع حرکت او در جاده ایمان تلقی می‌شوند؛ به عنوان مثال، کسی که به پر خوری، پر خوابی و پر گویی عادت نموده، قادر نخواهد بود به انجام وظایف واجب و مستحب خود اقدام کند.

۲-۳- مبارزه مستقیم با گناهان و ترک و جبران آنها: علاوه بر مبارزه با

زمینه‌های گناه، مبارزه مستقیم با گناه و ترک و جبران آن از طریق روش توبه، زمینه تقویت ایمان و پاکی انسان را از آلودگی و تاریکی فراهم می‌آورد.

۲-۴- انجام وظایف واجب شرعی: یکی از مراحل بسیار مهم و سرنوشت ساز

در تقویت ایمان، انجام وظایف واجب و اطاعت از فرامین خداوند است. این مرحله که در عرفان اسلامی از آن به قرب فرایض تعبیر می‌شود، سرانجام به حصول تقوا و بهره مندی از آثار و ارزش‌های ناشی از آن، خواهد انجامید.

۲-۵- انجام نوافل و مستحبات: نهایی‌ترین مرحله در جاده ایمان که به محبت

و عشق الهی می‌انجامد، مرحله انجام مستحبات و نوافل است؛ مرحله‌ای که عرفا از آن تحت عنوان قرب نوافل و راه عشق تعبیر می‌کنند. قرب نوافل، پایانی‌ترین مقصد دین و مؤثرترین راه نزدیکی انسان به خدا و کسب مقام ولایت و خلافت الهی است.

۳- اصلاح صفات شخصیتی و پاک سازی دل

پاک سازی دل و درون از رذایل اخلاقی و آراسته شدن به فضایل اخلاقی، از طریق راهکارهای علم اخلاق و تمرین آنها در معاشرت با مردم و رعایت اخلاق اجتماعی می‌تواند تأثیر شگرفی در خودسازی بشر و رسیدن به قرب الهی داشته باشد. یکی از راه‌های نزدیک شدن به خدا و کمال این است که با صفات و ویژگی‌های بندگان خوب خدا آشنا شویم و سعی کنیم مانند آنها باشیم. صفات مؤمنین و بندگان خدا در قرآن کریم به طور مفصل بیان شده است، ولی برای رعایت اختصار به بعضی از آنها اشاره می‌نماییم:

۱- مؤمنین راستین از گفتار و عملکرد بیهوده دوری می کنند: «وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ» (سوره مومنون، آیه ۳) مردم با ایمان کسانی هستند که از هر گفتار و نوشتار و عملکرد بیهوده و بی ثمر و بی اهمیت روی می گردانند. چرا که به باور آنان چنین گفتار و کردار بیهوده و زشت و ناپسند است و باید از آن دوری جست.

۲- عفت و پاکدامنی پیشه می کنند: «و لا یزنون و من یفعل ذلک یلق اثمًا» (سوره فرقان، آیه ۶۸) و گناه زشت زنا انجام نمی دهند «وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ» (سوره معارج، آیه ۲۹) آنان (مؤمنان) کسانی هستند که دامن خویش را حفظ می کنند، منظور از حفظ دامن خویش، این است که رابطه جنسی آنان تنها در قلمرو خانه و خانواده، و در چهارچوب مقررات شرعی و اخلاقی و انسانی است. و هرگز خود را با پستی و زشتی گناه آلوده نساخته، و دامن به حرام و گناه نمی آلاینند، و چشم و دل و جسم را از حرام حفظ می کنند.

۳- از بدگمانی، غیبت، بدگوئی و تجسس پرهیز دارند: «یا ایُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا کَثِیراً مِّنَ الظَّنِّ اِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ اِثْمٌ وَّ لَا تَجَسَّسُوا وَّ لَا یَغْتَبَ بََعْضُکُمْ بَعْضًا» (سوره حجرات، آیه ۱۲) ای کسانی که ایمان آورده اید دوری گزینید از بعضی گمان های (بد)، که آن گمان ها گناه است، و تجسس در عیوب دیگران نکنید (از چیزهایی که از بدی ایشان بر شما پنهان است) و غیبت و بدگوئی از یگدیگر نکنید.

۴- تسلیم فرمان الهی اند: مؤمن تمام امور وجودی خود را به اختیار خداوند واگذار می کند و در قرآن کریم، حضرت ابراهیم (علیه السلام) از خداوند چنین مقامی را می طلبد؛ «رَبَّنَا وَاَجْعَلْنَا مُسْلِمِینَ لَکَ وَاَجْعَلْنَا مُسْلِمِیْنَ لَکَ» (سوره بقره، آیه ۱۲۸)

۵- ایمان یقینی دارند: مؤمن اعتقاد جازم نسبت به اصول دین و فروع دین دارد، مثلاً ممکن نیست انسان اعتقاد قطعی به روز حساب داشته باشد و همواره آن روز را در خاطر داشته و بیاد آن باشد در عین حال پاره ای گناهان را مرتکب شود «و بالاخره هم یوقنون» (سوره بقره، آیه ۴) چنین کسی نه تنها مرتکب گناه نمی شود بلکه از ترس، به کمینگاه های خدا، نزدیک هم نمی گردد.

۶- متواضع و فروتن هستند: «الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا» (سوره فرقان، آیه ۶۳)

آنان بر روی زمین آرام و متواضعانه راه می‌روند.

۷- حلیم و بردبارند: «وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا» (سوره فرقان، آیه ۶۳) و

زمانی که جاهلان، به آنان خطاب - جاهلانه - کنند با سلام و بیان خوش جواب دهند.

۸- خالصانه خدای را می‌پرستند: «وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ» (سوره فرقان،

آیه ۶۸) اهل توحید اند و با خدا معبود دیگری را نمی‌پرستند.

۹- بزرگوارند و با اهل باطل درگیر نمی‌شوند: «وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا» (سوره

فرقان، آیه ۷۲) بزرگوارانه از کنار گفتار و عمل اهل باطل و بیهوده‌گویان عبور می‌کنند و

درگیر نمی‌شوند.

قلبشان فقط مشغول به خدا است و فریب ظواهر دنیا را نمی‌خورند؛ بندگان حضرت

حق، آنگاه که به مقام قرب رسیدند و وجودشان پر از اخلاص شود، آن قدر که جز خدا

چیزی نبینند و جز برای خدا، کار نکنند. هرگز ظواهر دنیا مخلصین عالم را فریب نداده و

جلوات دنیا آن‌ها را با خود نبرده است؛ بلکه برعکس، به تعبیر آن مرد عظیم الشان و الهی،

آیت الله انصاری همدانی (اعلی الله مقامه الشریف) هر چه دنیا به آن‌ها رو کرد، آن‌ها از دنیا

رو برگرداندند.

۴- تفکر و تعقل

تفکر در سؤال‌های اساسی انسان که در بینش دینی مطرح می‌شوند؛ مانند

خداشناسی، انسان‌شناسی و هستی‌شناسی، دین‌شناسی و معادشناسی ضرورت دارد. امیر

المؤمنین، علی ابن ابیطالب (علیه السلام) در خطبه ۲۳۹ در نهج البلاغه که فضائل آل محمد

علیهم السلام در آن ذکر شده، در باره نقش عقل چنین فرموده است: «عقلوا الدّین عقل وعاية

و رعایه، لا عقل سماع و روايه، فان رواة العلم كثير و رعایه قليل»

(آن‌ها دین را مورد تعقل و شناخت قرار دادند، شناختی توأم با فهم و عمل، نه شناختی بصورت شنیدن و نقل نمودن). روایت کنندگان یا نقل کنندگان علم فراوان هستند، اما آنهایی که روح علمی دارند و علم را در عمل، مراعات می‌کنند کم هستند. همچنین در قسمتی از خطبه ۸۲ چنین آمده است: «فَاتَّقُوا اللَّهَ عِبَادَ اللَّهِ تَقِيَّةً ذِي لَبِّ شُغْلِ التَّفَكُّرِ قَلْبِهِ.»

(ای بندگان خدا تقوا پیشه کنید، تقوای خردمندی که فکر، دل او را بخود مشغول داشته است). در این خطبه تقوا و تعقل و تفکر در رابطه با هم مطرح شده‌اند؛ یکی از نشانه‌های بندگان خاص پروردگار عالم همین است که هیچ گاه ظواهر، آن‌ها را فریب نمی‌دهد. چون آن‌ها بنده خاص خدا شدند و قلبشان آکنده از یاد خدا شد، هرچه ظواهر دنیا زیبا و فریبنده هم باشد، ابدأ آنچه که می‌بینند، آن‌ها را مشغول نمی‌کند. گویی که دنیا ناز آن‌ها را می‌کشد، نه این که آن‌ها ناز دنیا را بکشند. در این دنیا هستند و مثل دیگران زندگی می‌کنند؛ اما هیچ گاه به دنیا جواب مثبت نمی‌دهند.

مومنان با تدبر در آیات الهی می‌نگرند: «وَالَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ لَمْ يَخِرُّوا عَلَيْهَا صُمًّا وَعُمْيَانًا» (سوره فرقان، آیه ۷۳) و کسانی هستند که چون به آیات پروردگارش تذکر داده شوند، همچون کرها و کورها با آن برخورد نمی‌کنند. در آیات الهی می‌اندیشند و خود را به کری و کوری نمی‌زنند.

با توجه به مطالب مذکور روشن می‌شود، مؤمن و بنده خدا کسی است که اعتقاد قلبی به دستورات خداوند داشته باشد و به نعمات الهی می‌اندیشد؛ سپس با ایمان، به دستورات پروردگارش عمل کند. در این صورت است که محبوب خداوند تعالی می‌گردد و زندگی نیکو و سعادت‌مندی خواهد داشت.

۵- انجام وظایف عبادی

اینکه خداوند انسان را برای عبادت آفرید برای این است که انسان عبادت کند نه برای اینکه خودش عبادت شود یعنی فایده عبادت به انسان باز می‌گردد نه به خدا. و از همین رو نفرمود: «و ما خلقت الجن و الانس الا لاعبد» یعنی من جن و انس را نیافریدم جز اینکه پرستیده شوم، بلکه فرمود: «و ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون» (سوره ذاریات، آیه ۵۶) «من جن و انس را نیافریدم جز برای اینکه عبادت کنند» (علامه طباطبایی، المیزان، ج ۱۸، ص ۴۲۰) عبادت یعنی کارهایی که انسان را به خدا نزدیک و شبیه می‌کند. اگر انسان به خدا نزدیک و شبیه شد آن وقت مانند خدا کار می‌کند و می‌شود مظهر اراده خدا و این همان کمال او است.

قرآن به روشنی کتاب راهنمای بشر است و راه‌های رسیدن به سعادت را یکی پس از دیگری بیان می‌دارد. ویژگی‌های مؤمنین در قرآن می‌تواند الگوی مناسبی برای سالک‌الی‌الله باشد زیرا بازگو کننده صراط مستقیم هدایت بشر است. در اینجا به نمونه‌هایی از ویژگی‌های صالحین اشاره می‌نماییم:

۱- مؤمنین هنگام نماز خضوع خشوع دارند: «الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ» (سوره مومنون، آیه ۲) یعنی مؤمنین کسانی هستند که در نماز خویش خاشع و فروتن هستند و دیده بر سجده گاه خود دارند و به این سو و آن سو نمی‌نگرند و دلشان در گرو مهر و عشق به خدا است.

۲- شب با خدا خلوت دارند و عبادت می‌کنند: «وَالَّذِينَ يَبِيتُونَ لِرَبِّهِمْ سُجَّدًا وَقِيَامًا» (سوره فرقان، آیه ۶۴) و آنان که شب را برای پروردگارشان به روز می‌آورند در حالی که سجده کننده و قیام کننده هستند.

۳- به خوبی‌ها امر و از بدی‌ها نهی می‌کنند: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ، بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» (سوره توبه، آیه ۷۱) مردان و زنان مؤمن همه یاور و دوستدار یکدیگرند، همدیگر را به کار نیکو امر و از کار زشت باز می‌دارند.

۴- زکات مال خود را می‌پردازند: «وَالَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ» (سوره مؤمنون، آیه ۴) مردم با ایمان کسانی هستند که زکات و حقوق مالی خویش را می‌پردازند.

۵- ربا نمی‌خورند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (سوره آل عمران، آیه ۱۳۰) ای مؤمنان ربا را چند برابر نخورید و تقوای الهی داشته باشید، شاید رستگار شوید.

بنابراین تحصیل صفت تقوا و پرهیزکاری، از طریق آشنایی با واجبات دینی و گناهان و پای بندی به احکام دینی یکی دیگر از راه‌های اصلی خودسازی است.

۶- تقویت ارتباط عاشقانه با خداوند و معصومین (علیهم السلام) و مومنان اهل ولایت و محبت

اگر کسی بخواهد دلش جایگاه محبت خدا باشد نباید محبت دیگران را هم عرض محبت خداوند در دل داشته باشد. اما محبت‌های طولی مانعی ندارد. راهکار افزایش محبت به خدا در قرآن آمده است که: «خداوند برای هیچ فردی بیش از یک دل، درون او قرار نداده است.» (سوره احزاب، آیه ۴) باید محبت خداوند اصیل باشد و محبت‌های دیگر فرع بر محبت خداوند. غرض این که، محبت انسان نسبت به خداوند باید بالاتر از محبت، نسبت به دیگران بوده و غلبه داشته باشد. چرا که «وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ» (سوره بقره، آیه ۱۶۵)

محبت به خداوند با هیچ محبت دیگری قابل قیاس نیست. هر محبت دیگری اگر در طول محبت خدا باشد و به سبب محبت به خدا باشد، محبتی راستین و گرنه دروغین است. کسی که غیر خدا را دوست می‌دارد و محبت او را بر محبت خدا برمی‌گزیند، مؤمن نیست. مؤمنان بیشترین محبت را به خداوند دارند. محبت خدا شرط ایمان است و کسی مؤمن است که خدا و رسولش را بیش از هر چیز دیگری دوست داشته باشد. از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) روایت شده است: «هیچ یک از شما تا زمانی که خدا و رسولش محبوبترین کس در نزد او نباشد، ایمان نیاورده است.» (نهج الفصاحه، ص ۸۲، ح ۵۲۳)

دومین نشانه محبت حقیقی، محبت به همه چیزهایی است که به محبوب انتساب دارد. محبت به غیر خدا وقتی مذموم است که محب، محبوب را مستقل بداند و کمال و جمال آن را وابسته و ناشی از خداوند نداند؛ ولی اگر کسی مخلوقات خداوند را به خاطر انتساب به خداوند بخواهد و دوست بدارد، محبت او ممدوح و پسندیده است. اینگونه دوستی منافاتی با دوستی خدا ندارد، بلکه عین دوستی با خداست.

محبت به بندگان صالح خدا محبت به خداست. خداوند بندگان مؤمن و صالح را دوست دارد و بندگان ظالم و عاصی را دوست نمی‌دارد؛ پس کسی که حب و بغض خود را متناسب با حب و بغض خداوند نماید می‌تواند مدعی دوستی خدا باشد. در قرآن کریم نیز به این مسئله اینطور اشاره شده است: «قومی را نیابی که به خدا و روز بازپسین ایمان داشته باشند و کسانی را که با خدا و رسولش مخالفت کرده‌اند - هرچند پدرانشان یا پسرانشان یا برادرانشان یا عشیره آنان باشند - دوست ندارند. در دل اینهاست که خدا ایمان را نوشته و آنها را با وحی از جانب خود تأیید کرده است و آنان را به بهشت‌هایی که از زیر درختان آن جویهای روان است در می‌آورد، همیشه در آنجا ماندگارند، خدا از ایشان خشنود و آنها از او خشنودند، اینانند حزب الله. آری، حزب خداست که رستگارانند.» (سوره مجادله، آیه ۲۲)

محب واقعی خدا، خود را آنگونه که خدا می‌پسندد می‌سازد. عمل خود را مطابق خواست او می‌نماید و ظاهر خویش را خداپسند می‌آراید. دوستانش خدایی هستند و با دشمنان خدا دشمنند. در یک کلمه در همه زمینه‌ها، رنگ خدایی به خود می‌گیرد.

اما در مورد دوستی اهل بیت (علیهم السلام) در عمل امام باقر (علیه السلام) به جابر می‌فرماید: «ای جابر! از طرف من، به شیعیانم سلام برسان و به آنان اعلام کن که هیچ قرابت و خویشاوندی بین ما و خدای عزوجل نیست و فقط با اطاعت و بندگی به درگاه الهی تقرب می‌یابد. ای جابر! هرکس خدا را اطاعت کند و همراه آن به ما محبت ورزد، دوست و محب ما است و هرکس خدا را معصیت کند، حب ما برایش نافع نیست» (میزان الحکمه، ج ۲، ص ۲۳۸، ح ۳۲۱۱) بنابراین اولین شرط حب اهل بیت (علیهم السلام)، اطاعت از حق تعالی و

پرهیز از گناه است. ممکن است کسی درجه پایین محبت را داشته باشد؛ ولی عملاً اهل معصیت هم باشد! چنین حبی، چندان سود بخش نیست. البته معصیت‌های اتفاقی - که بعد از آن توبه باشد - باعث نمی‌شود حب اهل بیت (علیهم السلام) سودی نبخشد.

حضرت علی (علیه السلام) فرمود: «من با رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در حالی که عترت من هم با من هستند، بر حوض [کوثر] اشراف داریم. پس هر کس ما را می‌خواهد، هم باید گفتار ما را بگیرد و هم عمل ما را، عمل کند...» (همان، ح ۳۲۱۲). بنابراین محبت باید در عمل جلوه گر شود.

از راه‌های کسب دوستی اهل بیت (علیهم السلام) ابتدا معرفت اهل بیت (علیهم السلام) می‌باشد. در پرتو معرفت امام، به کمالات و ویژگی‌های او بیشتر واقف می‌گردیم و این آشنایی به طور طبیعی شیفتگی و محبت را در پی دارد. امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «امام آن شاخص و راهنمای آشکار است که بین خدای عز و جل و خلقش قرار گرفته است. پس هر کس او را شناخت، مؤمن می‌گردد و هر کس او را انکار کرد، کافر می‌گردد» (میزان الحکمه، ج ۱، ص ۱۷۰، ح ۸۳۹) مؤمن بودن، فرع بر شناخت امام است. دومین راه کسب محبت، اطاعت از اهل بیت (علیهم السلام) است. اگر کسی شناخت لازم و کافی از اهل بیت (علیهم السلام) پیدا کرد، اطاعت از آنان را بر خود لازم می‌داند؛ ولی گاهی شناخت در آن حد بالا نیست، در این صورت چه بسا نسبت به اوامر آنان سرپیچی کند! عصیان به هر اندازه باشد، به همان مقدار کدورت و بغض می‌آورد. کدورت و بغض، ضد صفا و حب است. پس هر اندازه نسبت به اوامر آنان عصیان شود، به همان اندازه بغض و کدورت نسبت به آنان در دل ایجاد می‌شود و برعکس، هر اندازه نسبت به اوامر آنان اطاعت شود، به همان اندازه حب و صفا، دل را فرا می‌گیرد.

امام رضا (علیه السلام) می‌فرماید: «خدایا! از تو آن عملی را مسألت می‌کنم که حب تو را به من برساند» (میزان الحکمه، ج ۱، ص ۲۱۳، ح ۳۰۹۳) بنابراین یکی از راه‌های عملی وصول به «حب اهل بیت (علیهم السلام)»، اصل عمل و اطاعت است.

سومین راه ایجاد ارتباط عاشقانه با اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه و آله) توسل با معرفت است. در پرتو شناخت امام، می‌فهمیم همه چیز ما به او وابسته بوده و وی واسطه فیض و کمال است. اگر توسل با شناخت و توجه همراه باشد، ترنم عارفانه و عاشقانه‌ای است که حب را در دل بیش از پیش می‌پروراند (<https://www.porseman.com/۶۲۳۳۵>).

بنابراین برای ایجاد یک ارتباط عاشقانه با خدا و بندگان صالح نیاز داریم به ایمان قلبی به ایشان و انجام عملی دستورات سفارش شده ایشان که با قلبی پاک و نیتی خالص می‌توان به این مهم دست پیدا کرد. در واقع پشت هر حرفی، عملی است که نشان از صداقت قول گوینده دارد و برای نشان دادن حب به خدا باید مرد عمل بود.

نتیجه‌گیری

در این مقاله سعی شد به مؤلفه‌های خودسازی در شکل‌گیری تمدن اسلامی با توجه به آموزه‌های قرآن و عترت پرداخته شود. قرآن برنامه‌ای جامع و دستوراتی کامل برای رسیدن به جامعه‌ی مطلوب به انسان‌ها می‌دهد که افراد با به کار بستن آن و ثبات در اجرای قوانین آن، به این جامعه دسترسی می‌یابند. برای آشنایی بهتر، قرآن مثالها و الگوهایی را معرفی می‌کند که بهترین نمونه هستند و انسان در دستیابی به رشد و سعادت خود که در دل اجتماع نهفته است باید از آنان پیروی نماید. این جامعه توسط افرادی ساخته می‌شود که خود نمونه عینی از افراد مؤمن و متقی باشند و سرنوشت آن نیز به دست همین اعضاء می‌باشد که خداوند صریحاً سرنوشت را مختص خود جامعه می‌داند و از اینکه افراد آن را صرفاً قضا و قدر ببینند، نهی می‌کند. برای ساختن چنین جامعه‌ای انقلابی درونی لازم است تا افکار ملت بیدار شده و به جستجوی حقیقت پردازد؛ ولی باید مراقب بود، چرا که همیشه امکان بروز حرکت‌های ضد انقلابی نیز وجود دارد.

اما آنچه که بسیار مهم است ولی موضوع این مقاله نبود اینست که شخصیت هر انسانی که مورد نظاره و مطالعه پژوهشگرانه و محققانه شما قرار می‌گیرد، ساخته و پرداخته

یک عامل و یک قالب نیست، بلکه محصول عوامل متعددی است که دست به دست هم داده و آن شخصیت پویا و مثبت، یا منفی و مخرب و ناموفق را پدید آورده‌اند؛ عوامل مهم و سرنوشت سازی چون: عامل سرشت و طبیعت انسان، عامل وراثت، عامل تغذیه جسم، عامل تغذیه روح و خرد و عواطف، عامل خانه و خانواده و تربیت، عامل فرهنگ و نظام آموزشی، عامل رفاقت و هم نشینی و گروه، عامل حکومت و عامل آداب و رسوم و عامل مذهب و عامل محیط طبیعی، اراده تاریخ ساز و تحول آفرین انسان، و شاید از همه بیشتر و شدیدتر و کارسازتر، محیط اجتماعی به مفهوم جامع و کامل آن، که از خانه تا جامعه و جهانی که انسان در آن زندگی می کند، همه را شامل می شود. این عوامل در جای خودش باید مورد بحث و توجه قرار گیرد.

فهرست منابع

۱. قرآن
۲. نهج البلاغه
۳. نهج الفصاحه
۴. پرسمان، راهکار افزایش محبت به خدا و اهل بیت، ۳۰ / ۸ / ۱۳۹۷، ۶۲۳۳۵ / <https://www.porseman.com>
۵. جوادی آملی، عبدالله، قرآن در قرآن، تفسیر موضوعی ۱، قم، نشر موسسه اسراء، چاپ دوم، ۱۳۷۸.
۶. جوادی آملی، عبدالله، مفاتیح الحیاه، قم، نشر اسراء، چاپ ۱۳۵، ۱۳۹۲.
۷. طباطبایی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، بیروت، نشر موسسه الاعلمی، ۱۴۰۳.
۸. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، با ترجمه سیدهاشم رسولی محلاتی، نشر علمیه الاسلامیه

۹. محمدی ری شهری، محمد، فرزندگان، حسن، مترجم شیخی، حمید رضا، میزان الحکمه، قم، موسسه فرهنگی دارالحدیث، چاپ ۱۵، ۱۳۸۴.
۱۰. مصباح یزدی، محمد تقی، مجله معرفت، شماره ۵۰، گنجینه معارف اخلاق و عرفان اسلامی / تفکر پیرامون نعمت‌های الهی، تاریخ انتشار: ۲۸ / ۰۸ / ۱۳۸۸.
۱۱. مطهری، مرتضی، آزادی معنوی، جدید گفتارهای معنوی، نشر صدرا، چاپ نوزدهم، ۱۳۷۸.
۱۲. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۷۸، بی تا.
۱۳. مطهری، مرتضی، جاذبه و دافعه علی، انتشارات صدرا، چاپ پنجم، ۱۳۶۶.